

## جدال‌های مذهبی کاتبان در دست‌نویس‌های معتبر شاه‌نامه و متون منظوم پهلوانی

رضا غفوری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران

Reza\_ghafouri1360@yahoo.com

ORCID: 0000-0003-1493-1423

### چکیده

یکی از مشکلات بزرگ و بحث‌برانگیز در حوزه تصحیح انتقادی متون، بررسی گونه‌های مختلف دستکاری‌های کاتبان در دست‌نویس‌ها است زیرا اغلب کاتبان حوزه زبان فارسی، رعایت امانت نمی‌کردند و ضبط درست دست‌نویس‌ها را به دلایل گوناگونی تغییر می‌دادند. جدال‌های مذهبی کاتبان به منظور اثبات حقانیت مذهب خویش و در ردّ مذاهب و فرقه‌های مخالف، یکی از مهم‌ترین تصرفات عمدی آن‌ها به شمار می‌رفت و این امر بیشتر در جاهایی از متن روی می‌داد که شاعر یا نویسنده به بیان عقاید دینی خود می‌پرداخت.

تاکنون درباره دستبردها و جدال‌های مذهبی کاتبان در دست‌نویس‌های شاه‌نامه، تحقیقات اندکی شده و متأسفانه درباره متون پهلوانی پس از آن هیچ پژوهش مستقلی صورت نپذیرفته است. توجه به این نکته سبب شد که در این مقاله، جدال‌های مذهبی کاتبان را که در دست‌نویس‌های معتبر و شناخته شده شاه‌نامه و منظومه‌های پهلوانی پس از آن روی داده بررسی کنیم و نمونه‌های مختلفی از دستکاری‌های آن‌ها را در این دسته متون نشان دهیم.

### کلید واژه‌ها:

نسخه خطی، کاتب، شاه‌نامه، متون پهلوانی، جهانگیرنامه.

## ۱- مقدمه

نسخه‌های خطی ارزش‌الایی در حفظ فرهنگ و تمدن هر کشور و معرفی آن دارند زیرا این دسته آثار، بی‌تردید قدمت اندیشه و تفکر بشر را به نسل‌های مختلف نشان می‌دهند. آن‌چنان‌که می‌دانیم در گذشته پیش از پیدایش صنعت چاپ، استنساخ یا نسخه برداری از آثار نویسندگان و شاعران، به دست کاتبان صورت می‌گرفت. کاتبان و نساخان اغلب شامل دو دسته بودند: نخست آن‌هایی که کم‌سواد بودند و از ذوق ادبی بهره‌چندانی نداشتند، دوم کاتبانی که اهل خواندن و تحقیق بودند و با آثار ادبی به خوبی آشنایی داشتند اما غالباً امانت‌دار خوبی نبودند و معمولاً متون مختلف را به منظور تهذیب، تسهیل و یا تصحیح متن تغییر می‌دادند. زبانی که از این دسته اخیر به ما رسیده کمتر از مضرات بی‌سوادی کاتبان دسته نخست نبوده است (جهانبخش، ۱۳۸۵: ۱۳). به گفته یکی از پژوهشگران، «کاتب امین، از کاتب فاضل بهتر است زیرا کاتب امین، متن را چنان که دیده می‌نویسد و کاتب فاضل، چنان با مهارت در متن دست می‌برد که اگر مصحح، اهل نباشد دستبرد او را با کلام نویسنده اشتباه می‌کند» (امیدسالار، ۱۳۸۹: ۲۹).

دخل و تصرفات و اسقاط و افزوده‌هایی که کاتبان فاضل، در دست‌نویس‌ها به قصد تصحیح و پیراستن متن روا می‌داشتند و تغییراتی که برای بهسازی متون انجام می‌دادند عمدی و مغرضانه بود و هدفی در پی داشت (زرین‌کوب، ۱۳۷۷: ۵۰). بنابر این «نوعی آگاهی از انگیزه‌های تصرف در هر متن، برای مصحح ضروری است تا منطق محتمل تصرف‌کننده را پیش‌بینی و در جهت عکس آن عمل نماید» (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۲۷-۲۸).

شماری از دستکاری‌های کاتبان، حاصل تعصبات دینی و عقیدتی آن‌ها بود. بیشتر این تصرفات اغلب به تغییر دادن برخی از اسامی و یا حذف و تبدیل عبارات دعایی و وصفی، در خصوص بزرگان فرقه‌های مذهبی خلاصه می‌شد. البته مواردی نیز وجود دارد که کاتب از روی تعصب به حذف پاره‌ای از مطالب کتاب که موافق و مطابق عقیده او نبوده پرداخته است (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۴۵). تاکنون محققان و نسخه‌پژوهان درباره‌گونه‌های مختلف دستبردهای کاتبان، تحقیقات مفصّلی انجام داده‌اند اما در حوزه دستکاری‌های مذهبی آن‌ها، معمولاً به ذکر اشارات مختصری بسنده کرده و از آن گذشته‌اند، با این وجود پژوهش‌های نادر و ارزنده‌ای نیز در این زمینه صورت گرفته است. استاد شفیع‌کدکنی در یکی از مقالات ممتع خویش، نمونه‌هایی چند از تصرفات ایدئولوژیک کاتبان را در متون عرفانی و به ویژه در *منطق‌الطیر عطار* آورده (نک: شفیع‌کدکنی، ۱۳۸۳: ۹۴-۱۰۷) و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که: «...عامل از میان رفتن نسخه‌های کهن بسیاری از متون دینی و مذهبی، همیشه، حوادث طبیعی از قبیل سیل و آتش‌سوزی و... نبوده است بلکه متولیان تحولات ایدئولوژیک جامعه، آن نسخه‌های کهن را عالم‌اً و عامداً از بین برده‌اند تا هیچ کس در اصالت تحولات ایدئولوژیک مذهب تردید نکند» (همان: ۱۰۷).

علی شاپوران نیز با بررسی دستکاری‌های مذهبی کاتب نسخه‌قاهره *شاه‌نامه* به این نتیجه رسیده است که «کاتب نسخه‌کهن قاهره (مورخ ۷۴۱ق) نوّه یک روحانی و صوفی بزرگ و فرزند عالم صوفی دیگری

است. چنین به نظر می‌رسد که او جزء گروهی از صوفیان است که در فاصله قرن ششم تا هشتم می‌کوشیده‌اند *شاهنامه* و اسلام را حتی‌الامکان به یکدیگر نزدیک کنند. این کاتب متن *شاهنامه* را بسیار دستکاری کرده‌است. او این کار را نه با برنامه‌ای نظام‌مند، بلکه با تصمیمات لحظه‌ای حین کتابت انجام می‌دهد و در نتیجه، در قبال مضامین مشابه همیشه یکسان رفتار نمی‌کند» (شاپوران، ۱۴۰۰: ۵۵).

## ۲- اختلافات مذهبی کاتبان در دست‌نویس‌های کهن شاهنامه

*شاهنامه* به دلیل محبوبیتی که در میان ایرانیان داشته همواره از دخل و تصرفات متعدد کاتبان دور نمانده و آسیب‌های جدی دیده است اما خوشبختانه در سال‌های اخیر، پژوهشگران به شمار بسیاری از این تصرفات و آسیب‌های متنی اشاره داشته‌اند (ر.ک: خالقی‌مطلق، ۱۳۶۵: ۳۷۲-۳۸۰؛ خطیبی، ۱۳۸۵ الف: ۵۴-۶۸؛ همو، ۱۳۸۵ ب: ۱۱۲-۱۲۸). نولدکه با دریافت دستکاری‌های متعدد کاتبان می‌نویسد: «بی‌وجدانی نسخه‌نویسان ایرانی که نتیجه استعداد فراوان آن‌ها برای بیان ادبی است *شاهنامه* را حفظ نکرده است؛ به این موضوع باید تغییراتی را که به علل مذهبی داده شده است و تا حد زیادی اهمال کاری صریح را نیز اضافه کرد» (نولدکه، ۱۳۸۴: ۱۹۵). یکی از نکته‌های مهم درباره *شاهنامه*، بحث درباره مذهب سراینده آن است که تاکنون نظرهای متعددی درباره آن داده شده، اما موثوق‌ترین نظر همان است که فردوسی را بر مذهب شیعه خوانده‌اند (آیدنلو، ۱۳۹۰-۶۱-۶۳). مسأله مذهب فردوسی، همواره مورد توجه کاتبان *شاهنامه* بوده و به همین دلیل به جرأت می‌توان گفت که شمار دست‌نویس‌هایی که از جدال مذهبی کاتبان مبرا مانده بسیار معدود و نادر است<sup>(۱)</sup>. متأسفانه اغلب پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه شده مربوط به اصالت ابیات ستایش خلفای راشدین است که در مقدمه *شاهنامه* آمده (نک: ادامه مقاله) و سایر پیکارهای مذهبی کاتبان که به بخش‌های دیگر دست‌نویس‌ها الحاق شده، اغلب مغفول مانده و یا کمتر بدان توجه شده است، در این جا، به بررسی بیت‌های مذهبی الحاق شده به دست‌نویس‌های معتبر *شاهنامه* می‌پردازیم و آن‌ها را به صورت ذیل دسته بندی می‌کنیم:

الف. ابیاتی که مضمون آن درود فرستادن به پیامبر اسلام (ص) و ستایش ایشان است اما با توجه به محتوای آن، دقیق نمی‌توان مذهب تشیع یا تسنن کاتب را مشخص نمود. مثلاً:

در پایان داستان نبرد گشتاسپ با ارجاسپ و پس از ستایش سلطان محمود، کاتب دست‌نویس‌های *س* و *لی*<sup>(۲)</sup> بیت معروف زیر را به متن افزوده‌اند:

هزاران درود و هزاران سلام ز ما بر محمد علیه السلام

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۵/۲۱۸ پ ۲۲)

در پایان داستان اسکندر، پس از آفرین فردوسی بر محمود، دست‌نویس *ل* بیت زیر را افزوده است:

وزو بر روان محمد درود به یارانش بر هر یکی بر فرزند

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۶/۱۲۹ پاورقی ۴)

این بیت در دست‌نویس‌های ق، س، ق، ل، و، آ، ب، در آغاز داستان اشکانیان و پس از حمد خداوند، افزوده شده است (ر.ک: همان: ۶/ ۱۳۵ پ ۱).

بیت زیر در دو دست‌نویس ق<sup>۲</sup> و پ، در پایان پادشاهی شاپور و پس از درود فرستادن بر مدفن پیامبر اسلام (ص) به متن الحاق شده است:

محمّد رسول خدای و امین      کوه راه مسلمانان آورد و دین  
(همان: ۶/ ۲۵۰ پ ۳۱)

کاتب دست‌نویس ق<sup>۲</sup> ابیات زیر را در داستان یافتن گنج گاوان و در ستایش بهرام گور افزوده است:  
خدایا روان چنان شهریار      روان کن به فردوس ای کردگار  
ز روح محمّد درودش نثار      به هر ساعتی در هزاران هزار  
(همان: ۶/ ۴۶۳ پ ۶)

ب. ابیاتی که کاتبان شیعی مذهب برای تثبیت شیعه‌گری فردوسی به شاه‌نامه افزوده‌اند. این ابیات الحاقی شامل چند دسته است:

۱. بیت‌هایی که به امام اول شیعیان<sup>(ع)</sup> اشاره دارد و لحن کاتب در آن‌ها ملایم است. شمار این دسته ابیات نسبت به موارد دیگری که در دنباله مقاله خواهیم آورد انگشت شمار است. در مقدمه شاه‌نامه آن‌جا که فردوسی تلویحاً به تشیع خود اشاره می‌کند کاتبان دست‌نویس‌های س، لن، ق، آ، ب، دو بیت زیر را به متن الحاق کرده‌اند:

علی را چنین گفت و دیگر همین      کزیشان قوی شد به هر گونه دین  
نبی آفتاب و صحابان چو ماه      به هم پشنتی یک‌دگر راست راه  
(همان: ۱/ ۱۰ پ ۹)

۲. ابیاتی که به امام علی<sup>(ع)</sup> در کنار پیامبر اسلام (ص) اشاره دارد و از فضایل ایشان یاد می‌کند. مثلاً کاتبان دست‌نویس‌های س، لن، ل، ب، ابیات زیر را پس از ستایش انوشیروان به متن افزوده‌اند:

نه برخاست چون او ز تخم کیان      جز از احمد و حیدر از تازیان  
(همان: ۷/ ۱۰۱ پ ۶)

در همین داستان، کاتب دست‌نویس س، ابیات زیر را در ذکر فضایل پیامبر (ص) و امام علی<sup>(ع)</sup> ظاهراً از خود سروده و به متن الحاق کرده است:

... هزار آفرین باد بر جان او (= پیامبر)      تن و جان ما زیر فرمان او  
بر آن نامور حیدر هاشمی      که مردی فزون داشت با مردمی  
وصی نبی شسیر پروردگار      جوانمرد دین صاحب ذوالفقار  
درود خداوند بر هر دوان      درین هر دو بر جان نوشین روان

(همان: ۷ / ۱۰۱ / پ ۱۰)

بیت زیر در دست‌نویس س<sup>۲</sup>، در آغاز پادشاهی اشکانیان دیده می‌شود:

و زو بـــــروان محمـــــد درود      دوم میـــــر حیدر که چون او نبود

(همان: ۶ / ۱۳۵ / پ ۱)

۳. ابیاتی که در آن‌ها صریحاً از امام علی<sup>(ع)</sup> در مقام وصی و جانشین پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> یاد می‌شود، مانند بیت نخست زیر که در دست‌نویس‌های ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، لی، پ، آ، ل<sup>۲</sup>، ب و سن ژوزف<sup>(ژ)</sup> و بیت دوم که در دست‌نویس‌های ف، ب، ل<sup>۳</sup>، لن<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>، سعدلو و سن ژوزف، افزوده شده است:

منم بنده اهل بیت نبی      ستاینده خاک پای وصی

(همان: ۱ / ۱۰ / پ ۱۰؛ همان: ۱۳۸۹: ۴۸۸ر)

...به دل گفت اگر با نبی و وصی      شوم غرقه دارم دو یار و فی

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۰ / پ ۱۸؛ همان: ۱۳۸۹: ۴۸۸ر؛ همان: ۱۳۷۹: ۸)

۴. ابیاتی که در آن‌ها زبان کاتب شیعی متعصبانه و تهدیدآمیز است، مانند ابیات زیر در ردّ و نکوهش دشمنان امام علی<sup>(ع)</sup> که به دست‌نویس‌های ل، س، لن، ق<sup>۲</sup>، و، آ، ل<sup>۲</sup>، ب الحاق شده است<sup>(۳)</sup>:

نباشد جز از بی‌پدر دشمنش      که یزدان به آتش بسوزد تنش

هر آن کس که در دلش بغض علی است      از او زارتر در جهان زار کیست

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۱ / پ ۶)

مضمون دشمنی با امام اوّل شیعیان<sup>(ع)</sup> که تاوان سختی به دنبال خواهد داشت، در بخش دیگری از شاه‌نامه، آن‌جا که فردوسی به حبّ امام علی<sup>(ع)</sup> و خواهشگری از ایشان در روز محشر اشاره می‌کند به گونه‌ی دیگری در دست‌نویس‌های س، ک، ل<sup>۲</sup>، س<sup>۲</sup>، ق<sup>۲</sup>، لی، ل<sup>۳</sup>، و، آ دیده می‌شود:

وگر در دلت زو بود هیچ ریغ      بدان که بهشت از تو دارد دریغ

(همان: ۷ / ۱۶۶ / پ ۱۷)

یکی از نکته‌های در خور توجه درباره‌ی بیت‌های شیعه‌گرای الحاق شده به شاه‌نامه، این است که این ابیات جای ثابت و مشخصی ندارند و جای آن‌ها در دست‌نویس‌ها متفاوت است. با توجه به این نکته می‌توان عدم اصالت برخی از آن‌ها را نشان داد و متن شاه‌نامه را از وجود آن‌ها پیراست. مثلاً بیت زیر در بعضی دست‌نویس‌ها در آغاز پادشاهی شاپور اردشیر آمده حال این که در دست‌نویس‌های ق<sup>۲</sup>، و، در پایان داستان جنگ بزرگ کی خسروافزوده شده است (همان: ۴ / ۳۷۴ / پ ۱۰):

سر انجمن بد ز یاران علی      که شیعیش خواند علی و لی

(همان: ۶ / ۲۴۱ / ۷)

و یا بیت زیر که در دست‌نویس‌های ل، س، لن، ق، پ، و، آ، ل، ب، در مقدمه شاهنامه دیده می‌شود ولی در دست‌نویس‌های ق، و، در پایان داستان جنگ بزرگ کی خسرو (همان: ۴ / ۳۷۴ / پ ۱۰)، در دست‌نویس‌های ک، س، ل، لی، آ، ب، در آغاز داستان اسکندر و در دست‌نویس‌های ل، لن، پ، لن در آغاز پادشاهی شاپور اردشیر (همان: ۶ / ۲۴۱ / پ ۱۴) آمده است:

نباشد جز از بی‌پدر دشمنش که یزدان به آتش بسوزد تنش

(همان: ۱ / ۱۱ / پ ۶)

ج. برخی کاتبان سن مذهب نیز بیکار ننشستند و هر یک به نوبه خود بیت‌هایی به متن شاهنامه افزودند تا فردوسی را اهل تسنن معرفی کنند (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۶۴). معروف‌ترین نمونه این الحاقیات، همان قطعه چهاربیتی معروف ستایش خلفای راشدین در مقدمه شاهنامه است که در بیشتر دست‌نویس‌ها دیده می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۰ / پ ۳؛ همان: ۳۷۹: ۷) و برخی پژوهشگران در عدم اصالت آن دلایلی چند آورده و حق مطلب را به خوبی ادا کرده‌اند (ر.ک: ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۷۱: ۳۴۶-۳۵۰؛ همو، ۱۳۷۲: ۱۲۹-۱۳۴؛ دوستخواه، ۱۳۸۰: ۱۱۶).

لحن و شیوه بیان کاتبان اهل تسنن نیز گاهی همچون کاتبان شیعی، ملایم و دور از تعصب است مانند قطعه زیر که در دست‌نویس‌های س، ق، ک، ل، س، ل، لی، ب در خطبه یزدگرد آمده است:

چنان بد کجا سرفراز عرب که از تیغ او روز گشتی چو شب  
که بد شمع دین و چراغ بهشت که در کشور او مرد بی‌دین نهشت  
عمر آن که بد مؤمنان را امیر ستوده و را خالق بی‌ظنیر

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۸ / ۴۱۱ / پ ۱۳)

اما گاهی لحن تند و متعصبانه‌ای نیز از آن‌ها دیده می‌شود، مانند ابیات زیر که در دست‌نویس‌های ل، آ، ب، به مقدمه شاهنامه افزوده شده است:

تو بر خارجی لعنتی کن مدام و بر رافضی همچنین کن مدام  
ابوبکر و حیدر چو بر کوثرند کجا خارجی رافضی در خورند  
تو سنی بزی تا بود هر دو دوست ره رستگاری از این است و اوست

(همان: ۱ / ۱۱ / پ ۸)

د. گاهی کاتب مسلمان بوده اما تعصبات ملی و میهنی بر او غلبه یافته و ترک ادب شرعی کرده است. برای مثال، کاتب مسلمان دست‌نویسی از شاهنامه مورخ ۸۴۸ ه. ق، محفوظ در کتابخانه واتیکان، به نام علی ابن نظام دامغانی، بیت تعرض آمیزی پس از بیت معروف (چو با تخت منبر برابر کنند/ همه نام بوبکر و عمر کنند) در

نامه رستم فرخزاد به برادرش، به دست‌نویس خود افزوده است. از آن‌جا که دست‌نویس کتابخانه واتیکان در شهر یزد کتابت شده (ر.ک: خالقی‌مطلق، ۱۳۶۴: ۳۹۶) احتمالاً کاتب هنگام سرودن و یا افزودن این بیت، تحت تأثیر اندیشه‌های زردشتیان آن دیار قرار گرفته است:

ز عثمان و حیدر بگيرد شمار      نماند به گیتی یکی نامدار  
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۸/ ۴۱۷ / پ ۱۸)

### ۳- جدال‌های دینی کاتبان در برخی دست‌نویس‌های متون پهلوانی

گذشته از شاه‌نامه در برخی دست‌نویس‌های متون پهلوانی نیز، دستکاری‌های مذهبی و متعصبانه کاتبان دیده می‌شود مثلاً کاتب مسلمان یکی از دست‌نویس‌های بهمن‌نامه، ظاهراً ابیات سروده ایران‌شاه را که در منقبت پیامبر اسلام (ص) آمده چندان منسجم و عالی ندانسته به همین دلیل آن‌ها را حذف و ابیات دیگری را جایگزین آن کرده است (ایران‌شاه بن ابی‌الخیر، ۱۳۷۰: ۴/ پ ۶). در دست‌نویس‌های متعدد فرامرنامه بزرگ و کوچک نیز شاهد الحاق ابیاتی هستیم که ارادت کاتب را به امام اول شیعیان<sup>(ع)</sup> نشان می‌دهد (فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۲۴۹/ پ ۱۶؛ مرزبان فارسی، ۱۳۹۹: ۱۲۴/ پ ۱).

یکی از نکته‌های در خور توجه، تصرفات کاتبان زردشتی در فرامرنامه بزرگ است. مثلاً در چاپ سنگی این کتاب که سال‌ها پیش به همت رستم سروش تفتی در بمبئی انتشار یافت ابیاتی در ستایش زردشت دیده می‌شود که به احتمال بسیار از افزوده‌های یکی از کاتبان زردشتی این منظومه است زیرا اولاً این ابیات تنها در چاپ سنگی آمده و در دست‌نویس‌های دیگر نشانی از آن نیست؛ ثانیاً هیچ سند قطعی در دست نداریم که شاعر گمنام این منظومه را بر دین بهی فرض کنیم تا به تبع آن، این ابیات را سروده او بدانیم. ابیات الحاقی یاد شده چنین است:

که از عهد آن شاه با آفرین	زراتشت است اسفتمان گزین
پدید آمد و گشت ایران زمین	به کردار باغ بهشت برین...
کتاب فروزنده زنده و اوست	که زنگ جهالت به گیتی بهشت
یک و بیست نسک آن کتاب گزین	بیاورد و شست او جهان را زمین

(فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۱۵۰/ پ ۷)

در داستان تخت طاقدیس، شاعر پس از توصیف این تخت و چگونگی توجه پادشاهان ایران به آن می‌گوید:

بدین گونه بُد تا به گاه عمر	که از وی عجم گشت زیر و زبر
ز یکدیگر آن تخت را برگشاد	وزان بهر هر کسی را بداد

(ر.ک: فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۲۰۹/ ۲۹۱۴ - ۲۹۱۵)

اما یکی از کاتبان زردشتی این منظومه و یا شاید رستم سروش تفتی، ابیات بالا را دستکاری کرده و آن‌ها را این چنین متعصبانه و شدیدالحن آورده است:

بدین گونه بد تا به گاه عمر      نحو س اختر بد رگ بی پدر  
که بر خواهش چرخ بیدادگر      شد ایران از آن دیو زیر و زیر  
(فرامرنامه، ۱۳۲۴: ۲۷۹)

همچنین یکی از کاتبان زردشتی مذهب، بیت معروف (هزاران درود و هزاران سلام/ ز ما بر محمد علیه السلام) را که به گونه‌های مختلفی در بسیاری از دست‌نویس‌های شاه‌نامه و متون پهلوانی ضبط شده به صورت زیر به پایان فرامرنامه بزرگ الحاق کرده است:

هزاران درود و هزاران سلام      ز ما بر زراتشت علیه‌السلام  
(فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴: شصت و نه)

این بیت در دست‌نویس دیگری از فرامرنامه بزرگ مندرج در یکی از نسخ شاه‌نامه، که به دست یکی دیگر از کاتبان زردشتی کتابت شده این گونه ضبط شده است:

هزاران درود و هزاران سلام      ز ما باد بر روی نیکان مدام  
(فردوسی، بی تا: ۴۶۵)

تغییر ضبط‌ها و آوردن ضبطی که مطابق میل کاتبان بود گاهی در برخی سرنویس‌ها نیز دیده می‌شود. بر پایه سرنویس یکی از دست‌نویس‌های فرامرنامه کوچک مضبوط در کتابخانه بریتانیا به شماره Or. 2926، پس از شکست خوردن جوکیان هند از فرامرز و شکستن بت‌ها، همگی به دین اسلام روی می‌آوردند (مرزبان فارسی، ۱۳۹۹: ۱۲۱/ پ ۵). وقوع این علت را می‌توان به دو گونه توجیه کرد: احتمالاً کاتب مسلمان این دست‌نویس تمایل داشته که قهرمان منظومه‌ای را که به کتابت آن اشتغال داشت مسلمان معرفی کند. احتمال دیگر این که کاتب تحت تأثیر فضای فرهنگی سده‌های متأخر، همه قهرمانان ملی را مسلمان دانسته است. درباره این نکته در صفحات آینده بیشتر سخن خواهیم گفت.

#### ۴- جدال‌های مذهبی کاتبان در دست‌نویس‌های جهانگیرنامه

پیش‌تر نمونه‌هایی از ورود عقاید دینی کاتبان و جدال‌های مذهبی ایشان را در دست‌نویس‌های شاه‌نامه و متون پهلوانی نشان دادیم و گفتیم که کاتبان عقاید خود را گاه با بیانی ملایم و گاه با لحن تند و متعصبانه‌ای در ردّ فرقه‌های مخالف بیان می‌کردند. نکته حایز اهمیت این است که در هیچ کدام از این تصرفات و دستکاری‌ها، سیر منطقی و یا درون‌مایه داستان به هم نریخته زیرا افزودگی‌ها و یا جرح و تعدیل‌ها اغلب در جاهایی است که شاعر و یا قهرمان داستان، عقاید مذهبی خود را بیان می‌کند و بیشتر این دستکاری‌ها درون‌مایه داستان را تغییر نمی‌دهد اما در جهانگیرنامه سروده قاسم ماح و وضع به گونه دیگری است و جدال‌های مذهبی برخی کاتبان، ویژگی‌های فکری این منظومه را تغییر داده است. پیش از ورود به این مبحث، نخست باید درباره زمان احتمالی سرایش این منظومه سخن بگوییم.



نخستین بار ژول مول در دیباچه خود بر شاهنامه، جهانگیرنامه را منظومه‌ای متعلق به قرن پنجم معرفی کرد (مول، ۱۳۵۴: ۴۳). سعید نفیسی بر آن بود که روایت جهانگیرنامه در کنار شمار دیگری از روایات منظومه‌های پهلوانی، یا مستقیم به پهلوی نوشته شده و یا این که از یونانی، سریانی و غیره به پهلوی درآمده است<sup>(۴)</sup> (نفیسی، ۱۳۴۴: ۱۴) با این حال این پژوهشگر به زمان سرایش جهانگیرنامه اشاره‌ای نمی‌کند. ذبیح‌الله صفا با توجه به برخی مختصات فکری و ادبی جهانگیرنامه، آن را متعلق به اواخر قرن ششم (به احتمال ضعیف) و یا قرن هفتم (به احتمال قوی) دانست و این توضیح را نیز اضافه کرد که ظاهراً بعدها در حدود قرن نهم، کاتبان در دست‌نویس‌های جهانگیرنامه دست برده و بیت‌هایی به آن الحاق کرده‌اند (صفا، ۱۳۶۳: ۳۳۲). چندی بعد حدس این پژوهشگر در نوشته‌های دیگران تکرار شد (ر.ک: ریپکا، ۱۳۸۵: ۲۳۶؛ جهان‌تاب، ۱۳۸۱: ۳۰۲؛ شریفی، ۱۳۸۷: ۴۹۲؛ نیازکار، ۱۳۸۶: ۵۹۳؛ ذوالفقاری-جعفری، ۱۳۹۴: ۲۴۸). خالقی مطلق جهانگیرنامه را در کنار شمار دیگری از متون پهلوانی، با قید احتمال سروده قرن ششم دانسته است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱۸۶). فان زوتفن به تبعیت از سخن صفا، دوره سرایش آن را بین سده‌های ششم تا نهم نوشته است<sup>(۵)</sup>. در برخی دانشنامه‌ها به تقلید از سخن صفا، دوره سرایش جهانگیرنامه متأخرتر از قرن نهم خوانده نشده بدون آن که آغازی برای سرایش آن تعیین کنند (مصاحب، ۱۳۸۱: ۷۷۹؛ اوشیدری، ۱۳۸۶: ۲۳۹). برخی پژوهشگران به استناد بیتی از این منظومه که مشابه آن در گلستان سعدی نیز دیده می‌شود دوره سرایش آن را پس از سال ۶۵۶ احتمال داده‌اند (محقق، ۱۳۸۰: ۹؛ آیدنلو، ۱۳۸۸: ۲۵). از نظر دوپلوا این منظومه به طور گسترده از واژگان عربی و مفاهیم اسلامی بهره برده است، بنابراین به نظر می‌رسد که از دیگر آثار متعلق به این ژانر ادبی متأخرتر است<sup>(۶)</sup> اما این پژوهشگر به دوره احتمالی سرایش آن اشاره‌ای نمی‌کند. امید سالار زمان سرایش جهانگیرنامه را از ادوار یاد شده متأخرتر می‌داند و آن را به دوره صفویه و یا حتی دوره زندیه و قاجاریه می‌رساند (امید سالار، ۱۳۸۱: ۴۵۴). در نقد سخن امید سالار باید گفت که چون یکی از دست‌نویس‌های این اثر در تاریخ ۲۹ ذی الحجه سال ۱۱۱۲ مصادف با حکومت شاه سلطان حسین صفوی کتابت شده پس تعلق این منظومه به دوره پس از صفویه، کاملاً منتفی است اما حدس ایشان در تعلق احتمالی آن به دوره صفویه، همچنان بر قوت خود باقی است. اخیراً یکی از پژوهشگران جوان بیت آخر این منظومه (به نظم آمد این دفتر اندر هرات / به توفیق «جبار موت و ممات») را ماده تاریخی برای سرایش این منظومه دانسته و سال سرایش آن را ۱۰۷۷ ه. ق یعنی هم‌زمان با درگذشت شاه عباس دوم و بر تخت نشستن شاه صفی دوم معرفی کرده است (مهرداد، ۱۳۹۷: ۲۰۰-۲۰۱). نگارنده پیش‌تر با توجه به آمدن واژه هرات در بیت پایانی این منظومه، حدس زده بود که شاید جهانگیرنامه در قرن نهم و در دوره‌ای که فرزندان تیمور در هرات به سر می‌بردند و به شاعران و هنرمندان توجه خاصی می‌کردند سروده شده است (ر.ک: غفوری-امینی، ۱۳۹۳: ۳۰۹) اما اکنون با یافتن دست‌نویس‌های بیشتر و با توجه به ویژگی‌های سبکی جهانگیرنامه، احتمال می‌دهد که این منظومه نیز مانند شمار دیگری از متون پهلوانی، متعلق به قرن دهم به بعد است.

نگارنده در تصحیح انتقادی تازه‌ای که از این منظومه انجام داده دست‌نویسی از این منظومه را که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود اساس پیرایش خود قرار داده است. در این دست‌نویس بسیاری از ضبط‌های کهن حفظ شده اما شماری دستکاری‌های کاتبان نیز در آن دیده می‌شود. خوشبختانه در دو دست‌نویس دیگر این منظومه که در کتابخانه‌های ایندیا آفیس و آستان قدس<sup>۱</sup> نگهداری می‌شود شمار بسیاری از ضبط‌های کهنی باقی مانده که در دست‌نویس پاریس دگرگون شده است.

یکی از دستکاری‌های مهم مذهبی کاتب دست‌نویس پاریس که در چاپ سنگی این کتاب نیز دیده می‌شود، تغییر دادن ضبط‌هایی است که مفاهیم مذهبی دارند. این دخل و تصرفات و دستکاری‌ها شامل موارد ذیل است:

۱. تغییر ضبط **مسلمان** به **به‌دین**؛ بسامد این تغییر در این منظومه بالا است.

همه هم‌رهانش **مسلمان** شدند چو او سر به سر اهل ایمان شدند

(مادح، بی تا: ایندیا آفیس، ۲۱ پ)

نسخه پاریس: همه هم‌رهانش به **به‌دین** شدند (همان، بی تا: پاریس، ۵۳ پ).

**مسلمان** شو و راه حق در **پذیر** ره کفر بگذار و **اسلام** گیر

(همان: ایندیا آفیس، ۲۹ پ)

نسخه پاریس: به **به‌دین** شو و راه حق در **پذیر**/ ره کفر بگذار و حق دین **گیر** (همان: پاریس، ۵۹ ر).

۲. تغییر ضبط **مسلمان** به **ایران**

**مسلمان** آباد نامش نهاد به اسلام دین انتظامش نهاد

ز تاریخ دور **ییل** نامدار **مسلمانی** آباد نامش شمار

(مادح، بی تا: ایندیا آفیس، ۲۹ پ)

نسخه پاریس: به **ایرانی** آباد نامش نهاد/ به اقرار وی انتظامش نهاد- ز تاریخ دور **یل** نامدار/ به **ایرانی** آباد نامش شمار (همان: پاریس ۵۹ پ).

چاپ سنگی: به **ایرانی** آباد نامش نهاد/ **یل** پیلتن انتظامش نهاد- ز تاریخ دور **شه** نامدار/ به **ایرانی** آباد نامش شمار (همان، ۱۳۲۵: ۵۳).

چو صف سپاه عدو گشت راست خروش از سپاه **مسلمان** بخاست

(همان: آستان قدس<sup>۱</sup>، ۴۷ ر)

نسخه پاریس: ... خروش **دلیران ایران** بخاست (همان: پاریس، ۹۲ پ)

چاپ سنگی: ... خروش از دلیران ایران بخواست (همان، ۱۳۲۵: ۲۲۸)

### ۳. تغییر ضبط مسلمان به پشیمان

از آن قوم بعضی مسلمان شدند از آن کفر و کین پاک دینان شدند

(همان: مجلس، ۱۵۲)

پ: از آن قوم بعضی پشیمان شدند (همان: پاریس، ۹۴پ)

چو گردی مسلمان دهم کام تو سپارم به دستت دلارام تو

(همان: آستان قدس، ۶۹ر)

پ: چو گردی پشیمان دهم کام تو (همان: ۱۱۰ر)

س: اگر درپذیری دهم کام تو (همان، ۱۳۲۵: ۳۱۴)

### ۴. تغییر ضبط اسلام / اسلامیان به ایران / ایرانیان

سپاه عاد در توصیف سپاه جهانگیر می گویند:

دلیرند این جمله اسلامیان که بستند بر کینه ما میان

(همان: ایندیا آفیس، ۶۶پ)

نسخه پ: دلیرند این قوم ایرانیان (همان: ۹۱ر)

بیایند اسلامیان سوی من کسی کاو بود هم ترازوی من

(همان: ایندیا آفیس، ۶۶پ)

نسخه پ و چاپ سنگی: بیایند ایرانیان سوی من (همان: پاریس: ۹۱ ر)

چو من تنگ سازم پی کین کمر ز اسلامیان کس نبیند اثر

(همان: آستان قدس، ۴۷ر)

نسخه پ، چاپ سنگی: ... ز ایرانیان کس نبیند اثر (همان: پاریس، ۹۲ پ؛ همان، ۱۳۲۵: ۲۲۷)

### ۵. تغییر ضبط اسلام به یزدان / ایزد

اسیران کافر هر آن کس که بود بدو دین اسلام عرضه نمود

(همان: مجلس، ۱۵۲)

پ: ... بدو دین یزدان عرضه نمود (همان: پاریس، ۹۴ پ).

جهانگیر گفتش که ای بی نظیر بیایدین اسلام را درپذیر

(همان: ۶۹ ر)

پ: بیا دین یزدان ز ما در پذیر (همان: پاریس، ۱۰۹ پ)

س: بیا دین ایزد ز ما در پذیر (همان: ۱۳۲۵: ۳۱۴)

گرفتم ره دین اسلام پیش نهادم برون پای از این کفر و کیش

(همان: ایندیا آفیس، ۸۴ ر)

س: گرفتم ره دین یزدان به پیش (همان: ۱۳۲۵: ۳۲۴)

#### ۶. تغییر ضبط مسلمان به صفت ساده

چو فرهاد روی دلاور بدید بگفت ای مسلمان زمانت رسید

(همان: آستان قدس، ۶۴ ر)

نسخه‌های پاریس، مجلس، آستان قدس<sup>۲</sup> و چاپ سنگی: بگفت ای دلاور زمانت رسید

مسلمان شو و راه حق در پذیر ره کفر بگذار و اسلام گیر

(همان: ایندیا آفیس، ۲۹ پ)

چاپ سنگی: بشو صادق و راه حق در پذیر/ که نبود کسی غیر حق دستگیر (همان: ۱۳۲۵: ۵۰)

#### ۷. تغییر ساختار مصراع به منظور حذف واژه مذهبی

ز اسلام او گشت شاد انجمن که شد شاد ز اسلام سرو چمن

(همان: آستان قدس، ۶۹ ر)

پ: وزان دین پذیری همه شاد شد/ که راه کژی جمله بر باد شد (همان: پاریس، ۱۱۰ ر)

س: وزان دین پذیرش گشتند شاد/ پس آن‌گه دلیران با فرّ و داد... (همان: ۱۳۲۵: ۳۱۵)

...که آید سوی راه اسلام و دین برون آید از کفر و از راه کین

(همان: ایندیا آفیس، ۸۴ ر)

پ: که آید سوی راه یزدان پرست/ بیندازد این بت پرستی ز دست (همان: پاریس، ۱۱۱ پ)

س: بدان تا گراید سوی راه حق / دل تیره‌اش گردد آگاه حق (همان: ۱۳۲۵: ۳۲۳)

دلارام شد واقف از کار یار      که او گشت در دین حق استوار  
شد آن هم مسلمان بر دلنواز      ز جان کرد اقرار بر بی‌نیاز  
(همان، آستان قدس، ۶۹ر)

پ: شد او شاد و خرم به پرده سرای (همان: پاریس، ۱۱۰ر)

ممکن است این پرسش مطرح شود که چه گونه می‌توان اصالت ضبط‌های مسلمان و اسلام را تأیید کرد اما ضبط‌های بهدین، ایزد و یا ایران را که در دست‌نویس پاریس و چاپ سنگی آمده بی‌اعتبار دانست؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان سه دلیل آورد:

الف. ضبط‌های بهدین، ایزد/ یزدان و ایران تنها در دست‌نویس پاریس و چاپ سنگی آمده که هر دو از یک خانواده‌اند حال این که دست‌نویس‌های مجلس و آستان قدس<sup>۲</sup> با وجود خویشاوندی با دست‌نویس پاریس، این ضبط‌ها را تأیید نمی‌کنند، اما ضبط‌های مسلمان و اسلام نه تنها در دست‌نویس ایندیا آفیس که قدیمی‌ترین نسخه شناخته شده از جهانگیرنامه است آمده بلکه در دست‌نویس‌های معتبر دیگری که با ایندیا آفیس از یک سلسله نسب نیستند نیز دیده می‌شود.

ب. نکته مهم دیگر توجه به زمان سرایش این منظومه است. پیش‌تر اشاره کردیم که پژوهشگران و محققان، دوره سرایش جهانگیرنامه را از قرن پنجم تا دوره صفویه احتمال داده‌اند اما شواهد و قرائن متن حاکی از آن است که به احتمال بسیار، این منظومه در دوره صفویه سروده شده است. یکی از موضوعات اصلی جهانگیرنامه، جنگ‌های مذهبی آن است، مضمونی که پیشینه‌ای طولانی در حماسه‌ها دارد و قدمت آن به یادگار زیریران می‌رسد. این مضمون در شاهنامه در جنگ‌های ایرانیان با ارجاسب و همچنین در نبردهای ایرانیان با رومیان و اعراب مسلمان در دوره ساسانیان دیده می‌شود. در این داستان‌ها، ایرانیان به‌دین در حال نبرد با پیروان مذاهب دیگر هستند. می‌دانیم که اسفندیار معروف‌ترین پهلوان مذهبی شاهنامه است اما از شرکت رقیب او رستم و افراد خاندانش در جنگ‌های مذهبی نشانی نیست و این نکته در آن دسته منظومه‌های پهلوانی که قدمت روایت دارند نیز دیده نمی‌شود و تنها یک بار در بخش پایانی فرامرنامه کوچک، هنگام مناظره فرامرز با برهمن اشاره می‌شود که در نهایت به پیروزی فرامرز و یزدان پرستی هندوان ختم می‌شود (رک: مرزبان فارسی، ۱۳۹۹: ۱۱۲-۱۲۴). از این مختصر می‌توان نتیجه گرفت که در شاهنامه و متون پهلوانی قدیم، غالباً رستم و قهرمانان خاندانش، نه پهلوانان دینی بلکه پهلوانان ملی به شمار می‌رفتند.

در آن دسته متون پهلوانی که احتمالاً از قرن دهم به بعد و مقارن با حکومت صفویه شیعه مذهب سروده شده وضع به گونه دیگری است. در بانوگشسپ‌نامه روایت شده که رستم با یاری خداوند، در طلسم کافری را بسته است (بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۲۳/۹۴۳). در زرین‌قبا‌نامه زال به آصف می‌گوید شاه ایران و همه پهلوانان،

دین پیامبر اسلام (ص) را پذیرفته و به دوازده امام (ع) ایمان آورده‌اند (زیرین قبانه، ۱۳۹۳: ۵۰۳ / ۶۶۹۷ - ۶۷۰۰). بر پایه رستم‌نامه، رستم پس از درماندگی در برابر نیرو و قدرت امام اول شیعیان (ع)، مطیع آن حضرت شد و دین اسلام را پذیرفت (رستم‌نامه، ۱۳۸۷: ۱۳ - ۱۵). در شهریارنامه آمده رستم پس از شنیدن وصایای کهد، به امام علی (ع) ایمان آورد و دوستی و محبت آن حضرت با گلش آمیخته شد (مختاری، ۱۳۹۷: ۸۵۶ / ۸۲۷۷). در داستان‌های شفاهی و نقلی نیز بارها به مسلمان بودن پهلوانان خاندان رستم اشاره می‌شود (ر.ک: آیدنلو، ۱۳۸۷: شانزده و هفده). از نظر یکی از پژوهشگران، دلیل این امر این است که در محیط متعصب حکومت صفویه، که فتوای متعددی در رد خواندن و شنیدن داستان‌های ملی صادر می‌شد ایرانیان شیعه مذهب و شاه‌نامه دوست، ناگزیر بودند که رستم مجوس و پهلوانان و شهریاران حماسه ملی خود را از رد و انکار برخی علمای زمان دور بدارند و آن‌ها را مسلمان، نمازگزار، آشنا با قرآن، شیعه و ... معرفی کنند (همو، ۱۳۸۷: بیست و نه؛ همو، ۱۳۹۱: ۶۲) بنا بر این دور از ذهن نیست که در جهانگیرنامه نیز رستم پهلوان مسلمانی معرفی شود که هر لحظه برای برانداختن بت پرستی جامه رزم بپوشد و جهاد کند. یکی از مستشرقان می‌نویسد: «در حماسه‌های متأخر، جنبه‌های دینی قوت می‌گیرد. مجاهدان دینی جانشین پهلوانان می‌شوند تا این که در جهانگیرنامه که سخت تازی مآب است اسلام رنگ تعصب به خود می‌گیرد» (ریپکا، ۱۳۸۵: ۲۳۸). با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که ضبط‌های مسلمان و اسلام که در چند دست‌نویس معتبر جهانگیرنامه آمده، ضبط‌هایی اصلی و ضبط‌های ایران، بهدین و ایزد/ یزدان که در نسخه پاریس و چاپ سنگی دیده می‌شود ضبط‌هایی ساختگی و نتیجه دخل و تصرف کاتبان است.

ج. یکی از دلایل مهم در عدم اصالت ضبط‌های یاد شده، خطاهای فاحشی است که گاهی کاتب دست‌نویس پاریس مرتکب شده است. مانند ابیات زیر:

چو بنشست (رستم) بر تختِ جمهور شاه	چنین گفت با سروران سپاه
که آن‌کس امان یابد از تیغ من	که اسلام گیرد در این انجمن...
به بهدین شدند آن خلایق همه	بتان شد ز اسلامیان تفرقه

(مادح، بی تا: پاریس ۵۹پ)

چنان‌که ملاحظه می‌شود کاتب این دست‌نویس، در مصراع چهارم ضبط اسلام را تغییر نداده اما در مصراع پنجم، ضبط مسلمان را به بهدین برگردانده است. در مصراع آخر نیز بی‌التفاتی از خود نشان داده و ضبط اسلامیان را به حال خود رها کرده است.

شاهد دیگر در درستی حدس ما این است که افراط کاتب دست‌نویس پاریس در دخل و تصرفات، گاه به حدی است که اصول قافیه را رعایت نمی‌کند، به بیان دیگر قافیه ابیات را فدای ضبط‌های ساختگی خود می‌کند. مانند نمونه‌های زیر:

به اخلاص خود چون مسلمان شدند	ز صدق و یقین نور ایمان شدند
------------------------------	-----------------------------

(همان: آستان قدس<sup>۱</sup>، ۹۸پ)

پ: به اخلاط چون من بهدین شدند(۴)/ ز صدق و یقین اهل ایمان شدند(همان: پاریس، ۲۳پ)

ز پندت نخواهم مسلمان شدن      وزین بت پرستی پشیمان شدن

(همان: تهران، ۲۶۰پ)

پ: به پندت نخواهم به(= ز) بهدین شدن/ وزین بت پرستی پشیمان شدن(همان: پاریس، ۱۳۸پ).

در این شواهد، ضبط نادرست و ساختگی بهدین یک بار با ایمان و بار دیگر با پشیمان هم قافیه شده و همین امر قافیه را معیوب ساخته است.

پرشش دیگری که به ذهن می‌رسد این است که چرا کاتبان دست‌نویس پاریس و دست‌نویس مبنای چاپ سنگی، رعایت امانت نکرده و دست به چنین تصرفاتی زده‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش دو احتمال وجود دارد:

الف. دست‌نویس پاریس شامل سه منظومه فرامرنامه کوچک، جهانگیرنامه و بانوگشسپ‌نامه است و در تاریخ ۱۱۷۳ق در شهر سورت گجرات هند کتابت شده است. در آغاز فرامرنامه کوچک عبارت: «به نام ایزد بخشاینده که بخشایش مهربان دادگر»<sup>(۵)</sup> و در آغاز جهانگیرنامه عبارت «به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر مهربان دستگیر» آمده که احتمالاً حاصل قلم کاتبی زردشتی است نه مسلمان. از سوی دیگر در پایان فرامرنامه کوچک بیت (هزاران درود و هزاران ثنا/ ما تن به تن بر شه انبیا) و در پایان بانوگشسپ‌نامه بیت (بگفتم من این داستان را تمام/ ابر مصطفی آتش از ما سلام) آمده است. از این دو بیت نمی‌توان نتیجه قطعی گرفت که کاتب دست‌نویس پاریس، مسلمان بوده زیرا چه بسا این ابیات در دست‌نویس مبنای کار او وجود داشته ولی کاتب هنگام کتابت دست‌نویس خود، آن‌ها را حذف نکرده است. در دست‌نویسی از شاه‌نامه مضبوط در کتابخانه ملی به شماره ۵-۲۲۲۳۶، که به دست کاتبی زردشتی به نام سیاوش پسر سیاوخش پسر رستم، کتابت شده مشابه این رویداد را نیز می‌توان دید.<sup>(۶)</sup> در این دست‌نویس شماری از منظومه‌های پهلوانی هم در میان داستان‌های شاه‌نامه کتابت شده است (ر.ک: تهمتن‌نامه، ۱۳۹۱: ۸۴). کاتب زردشتی این دست‌نویس، هنگام کتابت ابیات شاه‌نامه، حفظ امانت کرده و حتی در مقدمه شاه‌نامه که محل مناسبی برای ورود اندیشه‌های زردشتی او است دخل و تصرفی نکرده است اما در منظومه‌های پهلوانی این دست‌نویس، بارها شاهد ورود باورهای ملی و یا اندیشه‌های زردشتی مذهب کاتب هستیم. با این توضیح می‌توان احتمال داد که کاتب دست‌نویس پاریس بر دین بهی بوده و به دلیل تعصبات مذهبی خود، در هر جا که پهلوانان ملی مسلمان خوانده شده بودند ضبط متن را تغییر داده که این ضبط‌ها بعدها در چاپ سنگی نیز راه یافته است. فرضیه دیگر این که هم دست‌نویس پاریس و هم چاپ سنگی، از مادر نسخه‌ای که این دخل و تصرفات در آن روی داده بود بهره برده‌اند و همین امر سبب خویشاوندی هر دوی آن‌ها شده است.

ب. دلیل دیگر وقوع این دستکاری‌ها در دست‌نویس پاریس و چاپ سنگی، این است که کاتب مسلمان بوده اما از سنت‌های شعری و تأثیرات محیطی و فرهنگی دوره‌ای که جهانگیرنامه در آن پدید آمده آگاهی نداشته است به همین دلیل به گمان او، چون پهلوانان خاندان رستم، سال‌ها پیش از ظهور اسلام زندگی می‌کردند پس می‌بایست بر دین زردشت باشند و از آن‌جا که شاهنامه نیز این نکته را تأیید می‌کند (فردوسی، ۱۳۸۶: ۵/۹۹۳/۱۷۰) پس قاعدتاً در جهانگیرنامه نیز باید این دسته پهلوانان بر دین بهی باشند. این نکته سبب شده که کاتب دست‌نویس پاریس و یا مادر نسخه آن، در هر بیتی که به مسلمان بودن رستم و ایرانیان اشاره داشته است دست ببرد و ضبط دلخواه خود را بیاورد.

## ۵- نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه آمد می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. کاتبان آن دسته دست‌نویس‌های معتبر و شناخته شده شاهنامه که در سده‌های هفتم تا نهم کتابت شده‌اند، همگی مسلمان هستند و در نسخه‌های تاکنون شناخته شده متعلق به این دوره، از کاتبان زردشتی نشانی نیست. تصرفات و دستکاری‌های کاتبان مسلمان در اثبات حقانیت مذهب خود، گاه ملایم و به دور از خشونت و گاه متعصبانه و شدیدالحن است. جدال‌های عقیدتی کاتبان، اغلب در مقدمه شاهنامه و در جاهایی آمده که از پیامبر اسلام (ص) و وصی ایشان نام برده شده است ولی در بطن داستان‌ها معمولاً نشانی از این تصرفات نیست. از آن‌جا که برخی کاتبان مسلمان، این بخش‌های شاهنامه را محل مناسبی برای ورود عقاید دینی خود می‌یافتند پس فرصت را مغتنم شمردند و بیت‌هایی را به منظور تثبیت مذهب تشیع فردوسی و یا انتساب او به مذهب تسنن، به متن افزودند که محل قرار گرفتن برخی از این افزوده‌ها، در دست‌نویس‌ها متفاوت است و این خود قرینه آشکاری است که می‌توان در اصالت برخی ابیات مذهبی که به شاهنامه وارد شده‌اند تردید نمود.

۲. در برخی متون پهلوانی متقدم، گاهی ابیاتی مذهبی الحاقی دیده می‌شود که موضوع آن‌ها ستایش پیامبر اسلام (ص) و یا حب امام علی (ع) است، درست همان موضوعی که در دست‌نویس‌های شاهنامه نیز دیده می‌شود اما در برخی دست‌نویس‌های فرامرزننامه بزرگ، جدال‌های دینی کاتبان زردشتی نیز وارد شده است به گونه‌ای که کاتبان این دست‌نویس‌ها با تغییر دادن برخی ضبط‌ها و یا افزودن بیت‌هایی به متن، به ستایش پیامبر دین بهی پرداخته‌اند.

۳. جهانگیرنامه تنها منظومه پهلوانی است که بسامد جدال‌های مذهبی کاتبان در برخی دست‌نویس‌های آن بالا است. در دست‌نویسی از این منظومه مضبوط در کتابخانه ملی پاریس و نیز در چاپ سنگی آن، دستکاری‌های مذهبی کاتبان کاملاً مشهود است به این معنی که کاتب هر جا واژه‌ای دینی یافته آن را تغییر داده که این نکته سبب شده مضمون اصلی این منظومه که جنگ میان ایرانیان مسلمان با کافران و بت‌پرستان است به جنگ میان ایرانیان به‌دین با بت‌پرستان تغییر یابد.



## ۶- یادداشت‌ها

۱. بررسی دقیق دستکاری‌های ایدئولوژیکی کاتبان شاه‌نامه و متون پهلوانی پس از آن، خود تحقیق مفصل و جامعی می‌طلبد که از حوصله این گفتار خارج است. نگارنده به دلیل رعایت حجم و نیز به دلیل این که هدف اصلی از نگارش این مقاله، تبیین فضای فکری و مذهبی جهانگیرنامه بود تنها به بررسی جدال‌های مذهبی کاتبان شیعی مذهب، اهل تسنن و یا زردشتی در دست‌نویس‌های معتبر شاه‌نامه و متون پهلوانی پس از آن پرداخت و از بررسی سایر تأثیرات مذهبی چشم‌پوشی کرد.
۲. برای آشنایی بیشتر با این دست‌نویس‌ها و دیدن علایم اختصاری آن‌ها، بنگرید به: (فردوسی، ۱۳۸۶: سیزده - چهارده).
۳. در دست‌نویس سن ژوزف تنها بیت دوم آمده است (فردوسی، ۱۳۸۹: ۴۴۸ ب).
۴. بر پایه قرائن موجود، این نظریه اعتباری ندارد و بی‌تردید روایت جهانگیرنامه، در دوره اسلامی و پس از شهرت داستان رستم و سهراب پدید آمده است.
۵. پیش از این متن، عبارت «هو الله» به خط دیگری آمده است.
۶. برای آگاهی بیشتر درباره این دست‌نویس، ر.ک: (تهمتن‌نامه، ۱۴۰۱: ۸۴).

## کتابنامه

- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۸۷). (← رستم‌نامه).
- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۹۰). دفتر خسروان، برگزیده شاه‌نامه فردوسی، تهران: سخن.
- آیدنلو، سجّاد. (۱۳۹۱). (← طومار نقالی شاه‌نامه).
- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۱). «بیان ادبی و بیان عامیانه در حماسه‌های فارسی»، جستارهای شاه‌نامه شناسی و مباحث ادبی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص ۴۳۸-۴۶۰.
- امیدسالار، محمود. (۱۳۸۹). «مجمّل التّواریخ والقصص»، سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، صص ۴۱۰-۴۴۹.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۸۶). دانش‌نامه مزدیسنا، تهران: مرکز.
- ایران‌شاه بن ابی‌الخیر. (۱۳۷۰). بهمن‌نامه، تصحیح رحیم عقیقی، تهران: علمی و فرهنگی.

بانوگشسپ‌نامه (۱۳۸۲). تصحیح روح انگیز کراچی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تهمتن‌نامه (۱۴۰۱). تصحیح و تحقیق رضا غفوری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

جهانبخش، جویا (۱۳۷۸). راهنمای تصحیح متون، تهران: میراث مکتوب.

جهانبخش، جویا (۱۳۸۵). «بلای کاتبان باسواد»، گزارش میراث، سال اول، دوره دوم، شماره اول، صص ۱۲-۱۳.

جهانتاب، افسانه (۱۳۸۱). «جهانگیرنامه»، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در افغانستان، جلد سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صص ۳۰۰-۳۰۳.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۴). «معرفی و ارزیابی برخی از دست‌نویس‌های شاه‌نامه»، ایران‌نامه، شماره ۱۱، صص ۳۷۸-۴۰۶.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۶۵). «یادداشت‌هایی بر تصحیح انتقادی بر مثال شاه‌نامه (۱)»، ایران‌نامه، شماره ۱۵، صص ۳۶۲-۳۹۰.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۱). «روش نوینی در نقد»، ایران‌شناسی، شماره ۱۴، صص ۳۴۶-۳۵۴.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۷۲). «معرفی قطعات الحاقی شاه‌نامه»، گل‌رنج‌های کهن، به کوشش علی دهباشی، تهران: مرکز، صص ۱۲۷-۱۷۰.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۶). حماسه، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۵) الف. «کاتب خوش ذوق و دردرس مصحح»، درباره شاه‌نامه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۴۹-۶۸.

خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۵) ب. «شاه‌نامه‌ای کهن، همخوانی بخشی از نسخه سعدلو با کهن‌ترین نسخه کامل شاه‌نامه»، درباره شاه‌نامه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۱۱-۱۲۸.

دوستخواه، جلیل (۱۳۸۰). «رهمودی دیگر به افزودگی چهار بیت در دیباجه شاه‌نامه»، حماسه ایران یادمانی از فراسوی هزاره‌ها، تهران: آگه، صص ۱۱۳-۱۱۹.

ذوالفقاری، حسن - جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۹۴). «جهانگیرنامه»، دانشنامه فرهنگ مردم ایران، جلد سوم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، صص ۲۴۷-۲۴۹.

- رستم‌نامه. (۱۳۸۷). به کوشش سجاد آیدنلو، تهران: میراث مکتوب.
- ریپکا، یان. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران: سخن.
- زرّین‌قبا‌نامه. (۱۳۹۳). تصحیح سجاد آیدنلو، تهران: سخن.
- زرّین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۷). «روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی»، *آینه میراث*، سال اول، شماره اول، صص ۴۶-۵۳.
- شاپوران، علی. (۱۴۰۰). «بررسی دستکاری‌های کاتب نسخه قاهره، مورخ ۷۴۱ق، در متن شاه‌نامه»، *آینه میراث*، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۳۵-۵۹.
- شریفی، محمد. (۱۳۸۷). *فرهنگ ادبیات فارسی*، تهران: ۱۳۸۷.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها»، *نامه بهارستان*، سال پنجم، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۰.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳). *حماسه سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
- طومار نقالی شاه‌نامه. (۱۳۹۱). به کوشش سجاد آیدنلو، تهران: به‌نگار.
- غفوری، رضا-امینی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «بررسی عناصر دینی و اندیشه‌های عرفانی در حماسه جهانگیرنامه»، *کاوش‌نامه*، دوره ۱۵، شماره ۲۸، صص ۲۹۳-۳۱۶.
- فرامرزن‌نامه. (۱۳۲۴ ه.ق). به اهتمام رستم تفتی، بمبئی: چاپخانه فیض رسا.
- فرامرزن‌نامه بزرگ. (۱۳۹۴). به کوشش ماریولین فان زوتفن- ابوالفضل خطیبی، تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹) *شاه‌نامه فردوسی همراه با خمسه نظامی*. [نسخه سعدلو]. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاه‌نامه*، تصحیح جلال خالقی مطلق، جلد ششم تصحیح محمود امیدسالار، جلد هفتم تصحیح ابوالفضل خطیبی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹) *شاه‌نامه*، نسخه کتابخانه شرقی وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت، به کوشش ایرج افشار و محمود امیدسالار، تهران: طلایه.
- فردوسی، ابوالقاسم. (بی تا). *شاه‌نامه*، دست‌نویس کتابخانه ملی به شماره ۲۲۲۳۶-۵.

مادح، قاسم. (۱۳۸۰). *جهانگیرنامه*، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک‌گیل.

مادح، قاسم. (بی تا). *جهانگیرنامه*، دست‌نویس کتابخانه ایندیا آفیس به شماره 894. *Ethe*.

مادح، قاسم. (بی تا). *جهانگیرنامه*، دست‌نویس کتابخانه ملی پاریس به شماره Supplement persan 498.

مادح، قاسم. (بی تا). *جهانگیرنامه*، دست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۶۷۷۷.

مادح، قاسم. (بی تا). *جهانگیرنامه*، دست‌نویس کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۳۶۷.

مادح، قاسم. (بی تا). *جهانگیرنامه*، مندرج در دست‌نویس شاهنامه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره ۵۱۷۴.

مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

محقق، مهدی. (۱۳۸۰). ← مادح، قاسم.

مختاری. (۱۳۹۷). *شهریارنامه*، تصحیح رضا غفوری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

مرزبان فارسی، رفیع‌الدین. (۱۳۹۹). *فرامرنامه کوچک*، تصحیح ابوالفضل خطیبی - رضا غفوری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

مصاحب، غلام‌حسین. (۱۳۸۱). *دایره‌المعارف فارسی*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

مول، ژول. (۱۳۴۵). *دیباجه شاهنامه*، ترجمه جهانگیر افکاری، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.

مهراد، حامد. (۱۳۹۷). «تاریخ سرایش منظومه حماسی جهانگیرنامه قاسم مادح»، *پژوهشنامه ادب حماسی*، سال چهاردهم، شماره اول، صص ۱۹۳ - ۲۰۵.

نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، تهران: فروغی.

نولدکه، تئودور. (۱۳۸۴). *حماسه‌ی ملی ایران*، ترجمه بزرگ علوی، تهران: نگاه.

نیازکار، فرح. (۱۳۸۶). «جهانگیرنامه»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، جلد دوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۵۹۳ - ۵۹۵.

De Blios, Franois.(1998).“Epics”, *Iranica*, Edited by Ehsan Yarshater, New York, vol 8 . pp 474- 477

Zutphen, Marjolijn van (2014), *Farāmarz, the Sistāni Hero: Texts and Traditions of the Farāmarznāme and the Persian Epic Cycle*, Brill: Leiden.

نسخه خطی  
پیش  
انتشار